

نقش و تکالیف حکومت‌های محلی در مناطق جرم خیز
توحید وثوقی^۱ - مرتضی ناجی‌زاده زواره^{۲*} - منصور رحمدل^۳
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۲/۱۰ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۲/۲۲

چکیده:

اصل محرمانه بودن اسناد، اطلاعات و آرای داوری به عنوان یک ویژگی ممتاز داوری در برابر محاکم قضایی می‌باشد، اگر این ویژگی تضمین نشود ممکن است طرفین اختلاف تمایلی به این فرایند نداشته باشند. هر چند در قوانین و مقررات داوری برخی از کشورها اصل محرمانگی شناسایی شده لیکن در قوانین ایران به این موضوع پرداخته نشده است. این پژوهش به روش توصیفی- تحلیلی، بدنبال پاسخگویی به این ابهام است که فرایند داوری امری خصوصی یا محرمانه است و محرمانگی داوری بیشتر یک آرمان است یا واقعیت، همچنین این قاعده استثنائاتی به همراه دارد یا خیر. یافته‌های پژوهشی حاضر حاکی از نسبی بودن محرمانگی و ارتباط مستقیم با تعهدات طرفین اختلاف و اشخاص ثالث درگیر در فرایند داوری است. مبنای شناسایی میزان شرط محرمانگی نیازمند توافق صریح طرفین اختلاف در توافقنامه داوری بوده و این قاعده دارای استثنائاتی می‌باشد.

واژگان کلیدی: راهبرهای پیشگیری، مقامات قضائی، جرم، انواع پیشگیری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ - دانشجوی دکتری، حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران
tohidvosouqiphd@yahoo.com

^۲ - استادیار و عضو هیئت علمی، حقوق جزا، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران: نویسنده
مسئول

naji.morteaza@yahoo.com

^۳ - استادیار و عضو هیئت علمی، حقوق جزا، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران
morteza_rahmdel@yahoo.com

مقدمه

طی دو دهه اخیر پیشگیری از جرم برای افزایش ایمنی از طریق اصلاح و تغییر ویژگی‌های محیطی و کالبدی، نوع کاربری اراضی و کارکردهای اصلی این مکان‌ها بسیار اهمیت یافته است؛ چرا که با ایجاد تغییرات بنیادی در عوامل مکانی به وجودآورنده و تسهیل‌کننده فرصت‌های جرم و طراحی فضاهای کالبدی مقاوم در برابر ناهنجاری ضمن افزایش امنیت، میزان بزهکاری کاهش خواهد یافت و بدین وسیله امکان کنترل، پیشگیری از ناهنجاری‌های مناطق جرم‌خیز به نحوه بهتری فراهم می‌گردد. همانگونه که آشکار است برخی عوامل محیطی و کالبدی در وقوع جرم مؤثر است. با تغییر ساختار و عناصر تشکیل‌دهنده فضا، اعم از نحوه نورپردازی مناسب در معابر، وجود مراکز تفریحی و گذران اوقات فراغت، طراحی مناسب ساختمان‌ها و مناطق جرم‌خیزسازی با برنامه، طراحی و مهندسی مناسب محیط و منظر و همچنین ابزار و فناوری‌های نوین، می‌توان از وقوع جرم در محلات پیشگیری نمود. مسأله خشونت و ناامنی و مشکلات ناشی از آن مطلب تازه‌ای نبوده و منحصر به اجتماع امروز ما نیست. از روزی که بشر پا به عرصه وجود گذاشته، پدیده خشونت نیز با وی متولد شده است. آنچه که امروزه نگرانی جوامع متمدن را فراهم نموده است وسعت و دامنه پدیده خشونت و ناامنی مناطق جرم‌خیز می‌باشد. این امر مانند تراژدی است که مساعدت فوری جوامع بشری و توجه به آن را می‌طلبد.

پدیده خشونت و ناامنی در محیط‌های مناطق جرم‌خیز یک پدیده جهان شمول می‌باشد و با توجه به تشابه زیادی که این پدیده در همه جای دنیا دارد، استفاده از تجارب دیگران با لحاظ واقعیت‌های حاکم بر جامعه‌ای که در آن به سر می‌بریم راه مناسبی برای مقابله با این پدیده می‌باشد. در این پژوهش سعی شده است، این پدیده تا حد امکان از ابهام مفهومی و نظری موجود کاسته شود و ضمن بیان تعریف علمی از آن، راهکارهایی عملی متناسب با امکانات جامعه ارائه گردد.

۱- بیان مسئله

در چند دهه اخیر تقریباً تمامی دنیا همواره در پی جستجوی راه حلی برای امنیت در مناطق جرم‌خیزها بوده‌اند تا به نوعی میزان جرم در محلات را کاهش دهند و سرزندگی و حیات را به اجتماعات و محلات برگردانند. این امر بویژه در میان عوامل و ساز و کارهای قانونی و حقوقی که به فلسفه سیاست‌های اجتماعی مربوط می‌شود مصداق می‌یابد که به عنوان یک

عنصر کلیدی در تلاش هستند تا این راه حل‌ها را بهبود بخشند و بطور موثری راهبردهای کارآمدی را در این خصوص ارائه نمایند. عده‌ای معتقدند که سازگاری سیاست‌های اجتماعی منجر به تقویت و تحکیم راهبردها بطور موثری در این زمینه گشته است. استمرار کاربست‌های قانونی برای درگیر شدن با این نوع از راهبردها می‌باشد. بنابراین در صدد است تا ابزارهای جدیدی را که می‌تواند به بهبود محلات منجر گردد، بکار گیرد. (الوندی، ۱۳۸۳)

مشارکت محلی برای سیاست‌گذاری در امنیت فضاهاى عمومى نقش دوربین‌های مدار بسته را ایفا می‌نماید چرا که اقدام همزمان این دو شاخص و بویژه این فناوری در سال‌های اخیر کمک شایان توجهی در زمینه بهبود محیط‌های مناطق جرم‌خیز نموده است. متأسفانه سرمایه‌گذاری‌های بسیار اندک در زمینه ابزارهای ایمنی عمومی بر خلاف حقیقتی است که در مورد پیامدهای حاصل از آن برآورد شده است. مستندات ناچیزی در خصوص اینکه اینگونه عملیات وجود دارد که بعنوان دست‌های پشت پرده و بطور مخفی برای پیشبرد و توسعه آنها سرمایه‌گذاری‌هایی صورت می‌گیرد و این عامل بوسیله مناطق جرم‌خیزهایی که دارای فناوری نوین هستند، بیشتر مصداق می‌یابد. هدف از ارزیابی اینست که شکاف‌های تحقیقاتی بوسیله جزئیاتی که در ادامه می‌آید مرتفع گردد: (۱) نتایج داده‌های کیفی جمع‌آوری شده که برای بررسی و ترکیب تجارب مناطق جرم‌خیزها می‌باشد که این عامل با فناوری‌های مدار بسته با در سال‌های اخیر محقق شده است. (۲) تحلیل دقیق آمار جرم برای تعیین درجه و میزان جرم که این امر با دوربین‌های مدار بسته بطور برجسته‌ای انجام گرفته است. (۳) برآورد میزان سودمندی به هزینه در ارتباط با کاربرد این نو دوربین‌ها برای بررسی جرم.

سیاست‌گذاری در امر مدیریت مناطق جرم خیز نمی‌تواند از فعالیتهایی که همواره با اجتماعات، افراد و نهادهای مختلف سروکار دارند، منفک باشد. در برخی موارد، الگوسازی در جوامع مناطق جرم‌خیز برای جلوگیری و کاهش جرم و خشونت در مناطق جرم‌خیز ضروری و لازم می‌باشد. سیاست‌های محلی بعنوان راهبردهای تصمیم‌گیری در مقایسه با دیگر سیاست‌ها و طرفداران بیشتری داشته است چرا که بر روی سیاست‌های تمرکززدایی بر اساس توانمندی حکومت‌های محلی تمرکز می‌کند و نیروهای عالی رتبه را برای ارتباط میان جمعیت و واحد‌های همسایگی برای تمرکز توسعه و بکارگیری راهبردهای سیاست‌گذاری مستقر می‌سازد. این شیوه کار، یک مفهوم اساسی را در خود تداعی می‌کند: سیاست‌گذاری در امر عملیات، چالش‌ها و چگونگی خدمات سیاسی بطور نزدیکی با تنوع و گوناگونی اهداف کلی محلات مناطق جرم-

خیز ایمن پیوند یافته است. سیاست پیشگیری از جرم به عملیات و تکنیک‌های متعددی زمینه برخورد فیزیکی، خسارت یا صدمه جانی و مالی در گروه‌ها یا جوامع اشاره دارد. اینگونه خسارت‌ها و صدمات می‌تواند، به قصور یا اهمال، بی‌پروایی، یا گونه‌ای از عملیات داوطلبانه و اختیاری از طریق قانون منجر گردد.

حال سوال اینجاست که چگونه می‌توان با راهکارهای مفید پدیده جرم‌خیزی و جرایم سازمان یافته را کاهش داد؟

۲) تعاریف

جرم^۱:

اولین و موجزترین تعریفی که از جرم به ذهن می‌رسد اینگونه می‌تواند عنوان شود: "جرم، مرتکب خطا شدن در مقابل قانون". برای آن دسته از افرادی که این چنین تعریف صریح و قاطعی را با یک رویکرد قانون‌مدار برای جرم اتخاذ کرده‌اند، این تعریف قابل تشخیص و ملموس است. تاپان حقوق را بعنوان یک سند مکتوب و قانون‌مند برای فهم آنچه که جوامع بعنوان ارتکاب جرم و رفتار نامشروع می‌پندارند، مورد مطالعه قرار داده است. با این اوصاف، اگر یک قدم به عقب برگردیم و تفسیر دقیقی از این موضوع داشته باشیم، متوجه می‌شویم که این موضوع، فرآیندی اجتماعی است که به ما کمک می‌کند تا جرایم و فرایند جرم و طریق مقابله با آن در جوامع را تشخیص دهیم که بطور سریع و شفاف فرآیند آن برای ما ملموس و آشکار گردد که در مواقعی که بطور مکرر با این موضوع مواجه می‌شویم و سوالات متعددی که در این زمینه نقش می‌بندد، ذهن خود را بکار ببندیم. همانگونه که کوماک و بریکی (۱۹۹۱) خاطر نشان نموده‌اند: حقوق باید یک مبنای شاخص اجتماعی داشته باشد تا هم نحوه وقوع و هم نحوه شکل‌پذیری آن در جامعه به منصفه عمل درآید (تأکید بر بروز جرم در جامعه). موضوع جرم در واقع بحث جدید و تازه‌ای نمی‌باشد. در طول دهه‌های گذشته، رشته‌های بی‌شماری از سایر علوم آکادمیک از قبیل جامعه‌شناسی، روانشناسی و جرم‌شناسی در این زمینه به بحث و جدل پرداخته‌اند تا جنبه‌های مختلف آن را درک نمایند. در نیمه دوم قرن بیستم دانشمندان مختلفی خاطر نشان ساختند که جرم یک پدیده ذهنی نیست و در رفتار آدم‌ها مسلم می‌باشد که اینگونه استنباط می‌شود تا چگونگی واکنش جوامع را نسبت به مسائلی که در خصوص جرایم و قانون‌های جرم اتفاق می‌افتد، را نشان دهند.

^۱ - Crime

جرم: عملی است که قانون آن را از طریق تعیین کیفر منع کرده باشد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۲)

جرائم مناطق جرم‌خیز: جرایمی هستند که در محیط مناطق جرم‌خیز روی می‌دهند، منظور از محیط مناطق جرم‌خیز همان مفهوم مکانی و اجتماعی آن است. بدین ترتیب علاوه بر حومه مناطق جرم‌خیز، شامل اشخاصی نیز می‌شود که به طور غیررسمی در حاشیه مناطق جرم-خیزها اسکان دارند. (همان)

نامنی از خشونت نشأت گرفته است که در زمینه ترس و هراس عنوان می‌شود به گونه‌ای که واکنش نهادی، فرهنگی، روانی خشونت تعریف می‌شود و بعنوان یک پیامد از عدم استمرار، ممنوعیت یا محرومیت و عدم قطعیت و یقین شناخته شده است. گرچه درک و فهم نامنی نمی‌تواند در شواهد و یافته‌های آماری انعکاس یابد؛ عدم توانایی افراد برای دسترسی به منابع و امکانات برای بقاء و همچنین امنیت کودکان با خشونت پیوند نزدیکی یافته است که نه تنها با محدودیت‌های تحمیل‌شده وسط خشونت در جامعه در ابعاد فضایی، اقتصادی، اجتماعی مرتبط می‌باشد، بلکه همچنین در موقع حفاظت و حمایت و مقابله با نامنی ناکام مانده است. (سجودی، ۱۳۸۷)

خشونت مناطق جرم‌خیز را می‌توان نوعی از خشونت دانست که به عنوان یک محتوای معنایی، رابطه‌ای مستقیم داشته باشد. بنابراین، هرگونه خشونتی را که اتفاق بیفتد نمی‌توان یک خشونت مناطق جرم‌خیز نامید. خشونت همیشه یک اقدام فیزیکی نیست، بلکه ساختاری است که تصور و درک آن از طریق نابرابری‌ها، محرومیت، نابرابری و بی‌عدالتی نیز درک و فهمیده می‌شود. (حسینی، ۱۳۸۸)

۳) چارچوب نظری

مکان‌هایی هستند که از روند جهانی شدن جرم تأثیر می‌پذیرند و همچنین با عواملی از قبیل خشونت، ترس از جرم و تغییراتی که در زمان جرم رخ می‌دهند دست و پنجه نرم می‌کنند. این امر نمایانگر یک چالش عظیم در مناطق جرم‌خیزهاست که هم اکنون بطور فزاینده-ای در جستجوی روش‌هایی برای مقابله با اینگونه مسائل هستند. مکان‌هایی هستند که افراد در آن همدیگر را ملاقات می‌کنند؛ جایی که زندگی اجتماعی بصورت گروهی و تعاملی شکل می‌گیرد و فرهنگ رشد می‌کند جایی که توسعه اقتصادی با تغییر و تحولات فنی و علمی پیوند می‌خورد؛ برخی مناطق جرم‌خیزها به خوبی مدیریت می‌شوند و کارکرد نسبتاً خوبی

دارند. آنها کیفیت مناسبی را برای زندگی و شیوه‌های زندگی کردن فراهم می‌آورند. در عوض دیگر مناطق با مشکلات عدیده‌ای مواجه‌اند: زوال داخلی مناطق جرم خیزها، انواع مختلف از گروه‌های جمعیتی با نژاد و فرهنگ‌های مختلف، مسائل اجتماعی و بهداشتی، نرخ بالای بیکاری و همینطور عدم امنیت کافی از اینگونه مسائل در مناطق جرم‌خیزها می‌باشد. (جوان جعفر، ۱۳۹۱)

افراد بطور قابل توجهی در صورت مواجهه با خطرات اجتماعی، آسیب‌پذیر هستند که این خطرات شامل آن دسته می‌گردد که با جرم و عمل قتل در ارتباط هستند؛ در بسیاری از کشورها در ۲۰ سال گذشته میزان ترس از جرم به صورت جهشی رشد یافته است. حکومت‌های محلی که با چالش‌های جدید در این زمینه روبرو می‌شوند تصمیم‌گیرندگانی دارند که در سطوح داخلی و محلی اقداماتی را در خصوص ناامنی و هرج و مرج و ترس از جرم انجام می‌دهند.

جرم و ترس از جرم به گونه‌ای در مناطق جرم‌خیز رخ می‌دهد که تا حدودی جاذبه‌ها و پیش زمینه‌هایی در خصوص ارتکاب آن در برخی نواحی مناطق جرم‌خیز وجود دارد. زمانی که افراد با تهدید مواجه می‌باشند معمولاً سبک زندگی‌شان را تغییر می‌دهند و متعاقباً شیوه‌ای را بکار می‌گیرند که با پایگاه و مبنای یک مناطق جرم‌خیز منسجم، مطابقت و همپوشانی دارد. برخی از افراد ترجیح می‌دهند که به هر مکانی ورود نکنند و از سیستم‌های حمل و نقل عمومی در ساعاتی که خلوت می‌باشد و کسی از آن استفاده نمی‌کند و از پارک ماشین در پارکینگ اجتناب می‌کنند و فضاهای عمومی را بکار نمی‌گیرند (پارک، میدان و ...). بخش مهمی از قشر آسیب‌پذیر شامل مردان و زنان سالخورده می‌گردد؛ متعاقباً عدم آزادی برای آنان، بی‌صبری و کم‌حوصلگی را به دنبال دارد. مسائل داخلی جرم در محیط‌های تجاری و زندگی در فضاهای عمومی رو به کاهش است. بنابراین امنیت توسعه اقتصادی را به دنبال دارد. (مارکس، ۲۰۰۵)

در چند سال اخیر امنیت بعنوان یک مفهوم سیاسی و اجتماعی نسب به دهه‌های قبل بیشتر مطرح بوده است. مناطق جرم‌خیزوندان و سیاست‌مداران بطور برابر و پایاپای بر روی سطوح مختلف جرم، خشونت و ناپایداری در مناطق جرم‌خیزهای اروپایی تمرکز نموده‌اند. ترس از جرم یک مفهوم قابل تأمل می‌باشد که همواره نگرانی را برای تمامی ساکنین در بیشتر کشور-های اروپایی دنبال داشته است. مناطق جرم‌خیزوندان به راحتی در معرض ارتکاب ارتکاب جرم قرار می‌گیرند و نسبت به نهادها و ارگان‌های مختلف که در این زمینه به بررسی راهکار-

های کاهش جرم می‌پردازند کمتر اطمینان خاطر داشته‌اند. جرم در مناطق جرم‌خیزها بطور قابل توجهی سهم بسیاری در اختلال و هرج و مرج در مناطق جرم‌خیزها داشته است و میزان جرایمی که در مناطق جرم‌خیزها به ثبت رسیده است بیشتر از حومه‌ها و اطراف بوده است. امنیت در مناطق جرم‌خیزها و درک آن توسط افراد این روزها به عنوان یک موضوع مهم، اهمیت قابل توجهی یافته است. (مارکس، ۲۰۰۵)

این بخش به صورت اجمالی به مکان‌های وقوع جرم و پیشگیری از آن می‌پردازد: برنامه‌های هماهنگ شده برای طراحی مجدد محله‌ها و تغییرات و مدیریت دولتی و بخش خصوصی، هدف اصلی اجتماعات محله‌ای ویژه و مسائل جرم ناشی از آن است. هدف از انجام این کار مطلع ساختن مقامات قانونی، طراحان و معماران مناطق جرم‌خیز، مدیریت مسکن چند خانواری و اداره سکونت‌گاه‌های دولتی و عمومی برای هماهنگ ساختن اهداف آنها با طراحی محیط امن و راهبردهای مدیریتی که می‌تواند در کاهش جرم و ترس از جرم در محلات و بخش‌های مناطق جرم‌خیز موثر عمل کند، می‌باشد. رهیافت‌های پیشگیری از جرم در مکان‌های جرم‌خیز همواره و بطور دائم با سیاست‌های حمایتی محله‌محور همراه بوده‌اند که توسط برخی از نهادهای قانونی و حقوقی در ایالت متحده بکار گرفته شده‌اند. این امر بر آن نوع کارآیی تأکید دارد که راهبردهای مدیریتی و فرهنگی را در خصوص سیاست‌گذاری‌های راهبردی در ترکیب با طراحی محیطی یا راه‌حل‌های طراحی مجدد مکان‌ها اعمال می‌کند.

۴- انواع پیشگیری از جرم

رویکردهای مختلفی برای پیشگیری از جرم در طول دو دهه اخیر در ارتباط با مبانی تحقیقاتی و سیستم‌های ارزیابی بسط و شکل گرفته است. زمینه اصلی پیشگیری از جرم شامل طیفی از مسئولیت‌ها در طول سال‌های اخیر مانند پیشگیری از جرم در زمینه توسعه زیست محیطی، نهادی، اجتماعی و جامعه اجتماع‌محور و همچنین مداخلاتی که ممکن است درون‌شماری از گروه‌ها طبقه‌بندی گردد، خواهد بود. یک گونه از سیستم‌ها به مکانیسم‌های مداخله اجتماعی، مداخلات برخورد اجتماعی، مداخلات موقعیتی و مداخلات سیاست‌گذاری و عدالت کیفری اشاره دارد. رویکردهای مختلفی در مورد پیشگیری و برنامه‌ریزی وجود دارد که در چهار طبقه می‌گنجد که در قالب دستورالعمل پیشگیری از جرم آورده شده‌اند. (یتزمن، ۱۹۹۵)

۴-۱- پیشگیری از جرم از طریق توسعه اجتماعی

شامل طیفی از برنامه‌های اجتماعی، آموزشی، بهداشتی و یادگیری می‌شود و همینطور

مواردی را که کودکان و یا خانواده‌های آنها بهبود بخشند؛ این برنامه‌ها همچنین گروه‌هایی از کودکان را در نواحی مختلف مورد نشانه و هدف قرار می‌دهند که افراد جوان در آن در معرض ریسک‌های بسیار بالایی از جمله کودکان خیابانی یا زندگی کودکان در سکونت‌گاه‌های غیر رسمی یا نواحی با مسکن نامناسب می‌باشد. نمونه‌های دیگر شامل برنامه‌های آموزشی در مدارس یا برنامه‌های مهارتی و تفریحی برای کودکان و جوانان در جوامع می‌باشد که در تلاش است آگاهی و میزان توانایی آنها را در برابر عوامل مجرمانه بالا ببرد. بنابراین دستورالعمل پیشگیری از جرم، برنامه‌های پیشگیری موارد زیر را در بر می‌گیرد:

"ترویج سلامتی افراد و تشویق رفتارهای اجتماعی از طریق ابزارهای اجتماعی، اقتصادی، بهداشتی و آموزشی با تأکید ویژه بر روی کودکان و نوجوانان، و تمرکز بر روی عوامل ریسک-پذیر که با جرم و قتل در ارتباط هستند"

۲-۴- برنامه‌ریزی پیشگیری از جرم در سطح اجتماعات و محله‌محور

بجای هدف قرار دادن افراد، آن دسته از نواحی را مورد هدف قرار می‌دهد که میزان ریسک در آن، جرم و موارد قتل بسیار بالا را در پی داشته است. این نواحی شامل بخش‌هایی می‌گردد که سطح بالایی از فقر و محرومیت را هم در زمینه زیرساختی، خدمات و بهداشت و هم در عدم انسجام اجتماعات را به خود اختصاص داده است. این امر می‌تواند به مرور سکونت‌گاه‌های غیر رسمی و زاغه‌نشینیهایی را در داخل مناطق جرم‌خیز یا حومه‌های مناطق جرم‌خیز شکل دهد که اغلب آنها در ارتباط با مسائل اجتماعی و اقتصادی پیامدهای ناگواری را به دنبال دارد.

از قبیل برنامه‌هایی که برای بهبود محلات در نظر گرفته می‌شود؛ افزایش حس ایمنی و امنیت سکونت‌گاه‌های محله‌ای ویژه می‌باشد تا نگرانی اجتماعات و مسائل ناشی از جرم را که بر روی افراد تأثیر می‌گذارد پاسخگو باشد و سرمایه‌های خدماتی و اجتماعی و یا انسجام اجتماعی را در میان محلات افزایش دهد. "سرمایه اجتماعی^۱ بطور کلی به شبکه‌های ارتباطات اجتماع، و اتحادیه‌های مشترک و جوامعی اشاره دارد که حس مناطق جرم‌خیزوندی وجود آنها را در محلات تعیین می‌کند". برنامه‌ریزی پیشگیری از جرم محلات اغلب مشارکت فعال سکونت-

^۱ - اصطلاح سرمایه اجتماعی بطور گسترده‌ای و در تعاریف مختلفی مورد استفاده قرار گرفته است اما تعریف رایج آن توصیف روابط اجتماعی و ارتباط میان افراد می‌باشد که به ایجاد جامعه‌ای سالم کمک می‌کند. به عنوان مثال سازمان‌هایی برای اتحادیه‌های اقتصادی و توسعه‌ای تعریف شده‌اند که در قالب "شبکه‌هایی با اصول و قواعد مشترک ارزش و استنباطی که از آنها می‌گردد و همچنین تسهیلاتی که اتحادیه‌ها برای گروه‌ها فراهم می‌آورند، می‌گنجد .

گاه‌ها و سازمان‌های داخلی را در اجتماعات و محلات و واحدهای محله‌ای همسایگی را در بر می‌گیرد. این اقدام ممکن است در شناسایی اولویت‌های محلی و تا اندازه‌ای مسئولیت‌های اجرای برنامه‌ها دخیل باشد. اصطلاح "اجتماع" به محلات کوچک و نواحی در داخل مناطق جرم‌خیز یا دهکده‌های کوچک یا مناطق جرم‌خیزک‌ها یا در برخی موارد گروه‌هایی از مناطق جرم‌خیزوندان با دغدغه‌های خاص اشاره دارد.

بر اساس موارد گفته شده در بالا، دستورالعمل پیشگیری از جرم در این نوع برنامه‌ها اهداف زیر را دنبال می‌کند:

"تغییر شرایط در محلاتی که در برخوردها زدوبندها، قتل و ناامنی را به دنبال دارد می‌تواند از طریق ابتکار عمل کارشناسان و تعهد آنها برای اعضای محله انجام گیرد."

۴-۳- پیشگیری وضعی جرم

رویکردهایی را شامل می‌شود که فرصت‌های افراد را برای ارتکاب جرم کاهش می‌دهد و هزینه‌های ارتکاب آن را افزایش می‌دهد تا میزان سود ناشی از آن بطور بارزی کاهش یابد. بنابر موارد ذکر شده در بالا دستورالعمل‌هایی برای این نوع از پیشگیری در نظر گرفته شده است که به ایجاد رویکردهای زیر منجر می‌گردد:

"پیشگیری همزمان از جرم از طریق کاهش فرصت‌های جرم، افزایش ریسک و به حداقل رساندن مزایای ناشی از جرم، شامل طراحی محیطی و فراهم آوردن اقدامات حفاظتی و اطلاعاتی برای پیشگیری از قتل"

پنج نوع طبقه‌بندی ویژه از راهبردهای پیشگیری از جرم به صورت زیر انجام گرفته است:

- آنهایی که میزان تلاش متخلفان را برای ارتکاب.
- آنهایی که میزان ریسک را برای ارتکاب جرم متخلفان افزایش می‌دهند.
- آنهایی که پاداش‌های بعد از انجام عمل جرم را برای خاطیان در نظر نمی‌گیرند.
- آنهایی که تحریک به جرم برای تخلف را کاهش می‌دهند.
- آنهایی که هیچ‌گونه عذر و بهانه‌ای را برای متخلفان نمی‌پذیرند.

تکنیک‌های پیشگیری وضعی به گونه‌ای طراحی شده‌اند که به اشکال مختلف جرم را هدایت می‌کنند و فرض را بر این مبنا قرار می‌دهند که ممکن است متجاوزان تصمیمات عاقلانه‌ای را برای ارتکاب خلاف و گرفتن هدایا و قانون‌شکنی را کاهش می‌دهند. این نوع از پیشگیری شیوه‌ای از مدیریت، طراحی یا دخالت در محیط را بر می‌گزینند که بصورت قانونمند و پایدار

شکل می‌گیرند. برای نمونه اینگونه تکنیک‌ها سبب ایجاد فضاهای عمومی طراحی شده یا مساکنی می‌گردد که مشکلاتی را برای افراد ایجاد می‌کند و سبب شکل‌گیری سکونت‌گاه‌های غیرمجاز می‌گردد و مکان‌هایی که احتمال سرقت در آنها می‌رود را شناسایی می‌کند. نمونه‌های دیگری نیز وجود دارد که دوربین‌های مدار بسته برای حفاظت از جایگاه‌های پارکینگ ماشین یا توسعه پیاده‌روها، باغ‌ها و مکان‌های نشستن در نواحی عمومی طراحی می‌شود که مورد استفاده عموم قرار می‌گیرد که این سبب نظارت بیشتر بر فضاهای عمومی می‌گردد.

"پیشگیری وضعی جرم بطور تنگاتنگی با پیشگیری زیست محیطی و طراحی محیطی پیوند یافته است که این امر به شیوه استقرار محیط‌های عاری از جرم با چشم‌اندازهای مناسب بر می‌گردد."

۴-۴- استقرار مجدد

پیشگیری از جرم از طریق استقرار مجدد، به برنامه‌هایی اشاره دارد که در ارتباط با کودکان، جوانان یا افراد بالغی که در معرض ارتکاب جرم می‌باشند اشاره دارد و شامل اقداماتی از قبیل مسئولیت حفاظت و پیشگیری و همچنین طرح‌های بازدارندگی برای جوامع یا اجتماعات در این خصوص است.

بنابر موارد گفته شده در بالا، دستورالعمل پیشگیری از جرم در خصوص جلوگیری از تکرار جرم از طریق استقرار مجدد اجتماعات و گروه‌های تبهکار و دیگر مکانیزم‌های پیشگیری اهمیت می‌یابد.

۴-۴-۱- سازمان‌دهی رویکردهای پیشگیری از جرم و مراتب آن

هیچ‌یک از رویکردها یا تئوری‌های مداخله یا پیشگیری بر یکدیگر برتری و ارجحیت ندارند؛ همه آنها هر یک منافع و مضراتی را دارند. برخی از رویکردهای توسعه اجتماعی می‌توانند درازمدت باشند و بنابراین نیاز به سرمایه‌گذاری در چندین سال متمادی دارند. اجتماعات یا محلات بر پایه این رویکردها می‌توانند تحمل قابل توجهی در برابر مشکلاتی که با آنها روبرو می‌شوند داشته باشند و مناطق جرم‌خیزوندان آن بطور سازنده‌ای با هم در تعامل باشند و یا سرعت پیشروی پروژه را بهبود ببخشند. آنها برای ارزیابی، با مشکلات عدیده‌ای روبرو خواهند شد، بنابراین شفافیت و تسریع در انجام اقدامات در این مرحله از مداخله‌هایی که تشخیص آنها بسی دشوار می‌نماید، ناشی می‌شود. (جعفری، ۱۳۸۸) پیشگیری وضعی جرم به کرات، در ارتباط با فرصت‌های جرم و تکنیک‌های مورد نظر، مورد انتقاد قرار گرفته است. زیرا که آن می‌تواند مکان

جرم را منتقل نموده و در نواحی اختلالاتی را سبب گردد؛ برای نمونه، دسترسی به امنیت بطور ناهمسان (برای مثال با توسعه فضاهای خصوصی و اجتماعات باز)؛ و در ناکامی در برابر حملات مسائلی را در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی باعث می‌شود. بسیار از شیوه‌های توسعه‌ای اخیر در پیشگیری وضعی بر روی استفاده کارآمدتر و بهینه‌تر از مقررات از قبیل مناطق جرم-خیزداری‌ها و قوانین محلی و کاربست‌های قانونی تمرکز نموده است که این عامل به عنوان یک ابزار ارزشمند نمود یافته است که که مراکز کسب و کار یا سکونت‌گاه‌های محلی را به تغییر و تنظیم رفتارهایشان، ترغیب نموده است. پیشگیری از جرم می‌باید تمامی موارد جرم را به طور دقیق مورد بررسی قرار دهد و هرگونه رویکردی که انتخاب می‌گردد بایستی بخشی از یک راهبرد و یک برنامه متعادل باشد و مزایا و معایب هر یک از رویدادها بطور خاص مورد بررسی قرار گیرد. بنابراین یک پروژه، در یک محله یا مناطق جرم خیز ممکن است طیفی از طرح‌های مقدماتی از قبیل تغییر در چیدمان رفت و آمد، نورپردازی بهتر، اشتغال و آموزش افراد جوان برای حمایت از محلات و تحت پوشش قراردادن خانوارهای کم‌درآمد و ایجاد تسهیلات بهتر و فرصت‌هایی بهتر در مناطق مسکونی را با هم ادغام و یکپارچه نماید.

در نمودار ۱، چهار نوع از پیشگیری در تمامی جنبه‌های عملی پیشگیری از جرم آورده شده- اند و فهرستی از رویکردها را ارائه می‌دهد که راهبردهای کلی را ارتقاء می‌بخشد. این نوع طبقه بندی، بخشی از مسئولیت‌های کوتاه‌مدت و درازمدت در خصوص مسائل ناشی از جرم را پیشنهاد می‌دهد. همه این موارد گزینه‌های ارزشمندی را پیشنهاد می‌دهند که هر کدام مزایا و معایبی را دارا هستند.

نمودار ۱. رویکردهای مختلف برای پیشگیری از جرم



۴-۴-۱-۱- برنامه زمانبندی راهبردهای پیشگیری از جرم

در بعضی مواقع برنامه‌بندی برای تئوری جرم به مراحل از برنامه‌های پیشگیری اشاره دارد که می‌تواند بدون توجه به رویکرد به کار گرفته شده در شرایط خاص مورد استفاده قرار گیرد. گونه‌شناسی شاخص‌های سلامت و بهبود اجتماعات با بکارگیری مراحل اولیه، ثانویه و ثالث پیشگیری، اجازه ورود به سیستم‌ها و ارگان‌های عدالت کیفری را می‌دهد که بطور مشترک این موارد بکار گرفته می‌شود. اگرچه بطور کامل در تمامی جوانب انعکاس پیدا نمی‌کند اما مسائل ناشی از جرم را برای توسعه امنیت در محلات را در قالب موارد زیر بهبود بخشیده است:

✓ برنامه پیشگیری اولیه، به برنامه‌های نوآورانه هدفمندی اشاره دارد که هرگز در مسائل عدالت و نظام کیفری از قبیل برنامه‌های آموزشی و یا هشدار به عموم و افراد جوان در خصوص خشونت داخلی یا درگیری در داخل مدارس یا نظام‌های آموزشی دخالت نمی‌کند.

✓ برنامه‌های ثانویه، به برنامه‌های خاصی اشاره دارد که کودکان و افراد جوانی را که برای خدمات اجتماعی، آموزشی، و یا عدالت کیفری بعنوان خطر درگیر شدن در جرم شناسایی شده‌اند، مورد خطاب قرار می‌دهد.

✓ مرحله سوم پیشگیری، بر آن دسته از افراد که در نظام‌های قانونی و کیفری و یا در داخل مناطق با هدف پیشگیری از تخلف فعالیت می‌کنند، اشاره دارد.

۴-۴-۱-۲- پیشگیری از جرم و امنیت در محلات و مناطق مناطق جرم‌خیز

یکی از مهم‌ترین فرضیات رایج درباره پیشگیری از جرم این است که می‌تواند بطور شفاف از دیگر نواحی فعالیتی و آن دسته از نواحی که در قالب سیستم‌های آموزشی می‌گنجد، تفکیک می‌گردد. پیشگیری از جرم نه تنها اصطلاح رایجی در سطح بین‌المللی می‌باشد بلکه همچنین در شرایط مختلف و در کشورهای گوناگون با عنوان برنامه‌های ایمنی و امنیت در کاهش جرم در محلات مورد استفاده قرار می‌گیرد. (جوان جعفری، ۱۳۹۱) اصطلاح امنیت محله‌ای بطور رایجی برای اشاره به طیف وسیعی از مسائلی که در معرض تهاجم و حمله قرار دارند، مورد استفاده قرار می‌گیرد که در صدد ایجاد مناطق جرم‌خیزهای امن با محلات آرام همراه با نتایج مثبتی می‌باشد که فارغ از وقوع جرم وجود دارد.

پیشگیری از جرم بعنوان یک اصطلاح نظام یافته و پلیسی فرض گردیده است؛ در حالی که ایمنی محلات حکومت‌های محلی و داخلی را در بریتانیا دخیل می‌سازد تا علاقه وافر به تنظیم سیاست‌ها برای پیامدهای ناشی از جرم را پر اهمیت جلوه دهد.

۴-۱-۳- پیشگیری از جرم به شکل پایدار

پیشگیری علاوه بر تمامی مواردی که ذکر شده همچنین می‌تواند با انگاره توسعه پایدار و محلات قابل زندگی پایدار ارتباط یابد. این امر بویژه در میان کشورهای متوسط و کم‌درآمد نمود بارزتری یافته است. تلاش‌هایی در این خصوص انجام گرفته است که ظرفیت‌ها و منابع مورد نیاز افراد را افزایش داده و فرصت‌هایی را برای نسل بعدی و بهبود سرمایه‌های بین نسلی فراهم می‌آورد. راهبردهای پیشگیری از جرم به شکل پایدار هدف نهایی و ماورایی یک حکومت است که بعنوان بخش مهمی از اقدامات آنها در این زمینه مورد پردازش قرار می‌گیرد. (جوان جعفری، ۱۳۹۱) نمودار ۲ راهبردهای پیشگیری از جرم را که به توسعه پایدار جوامع کمک می‌کند، نشان می‌دهد.



۵- اصول اساسی و پایه‌ای دستورالعمل پیشگیری از جرم

دستورالعمل پیشگیری از جرم در قالب ۸ اصل پایه‌ای با تأکید بر توسعه پیشگیری از جرم به صورت زیر آورده شده است. (عبادی نژاد، ۱۳۹۱)

۵-۱- نقش رهبران و حکومت‌های محلی

در تمامی سطوح، دولت‌ها و حکومت‌های محلی از جمله مناطق جرم‌خیزداری‌ها نقش رهبران را در توسعه موثر در ارائه راهبردهای پیشگیری از جرم و رعایت چارچوب‌های نهادی برای بکارگیری آنها در زمینه مورد نظر را بازی می‌کنند.

۵-۲- توسعه اقتصادی و اجتماعی موثر

بررسی‌های پیشگیری از جرم می‌باید در برنامه‌های سیاسی و اجتماعی، اقتصادی ادغام و تلفیق گردد که این برنامه‌ها شامل اشتغال، آموزش، بهداشت و مسکن و برنامه‌ریزی مناطق جرم‌خیز، فقر و حاشیه‌نشینی می‌باشد. در این خصوص می‌باید تأکید ویژه‌ای بر روی جوامع، خانواده‌ها، کودکان و نوجوانانی که در معرض ریسک هستند، صورت گیرد.

۵-۳- همکاری / مشارکت

رویکرد همکاری و مشارکت می‌بایست به عنوان بخشی از سیاست‌های پیشگیری از جرم

به صورت یکپارچه درآید و در طیف وسیعی از موارد ناشی از جرم و مهارت‌ها و مسئولیت‌هایی که در این خصوص الزامی است، بکار گرفته شود. این موارد شامل مشارکت در تمامی برنامه‌های ارگان‌ها و وزارتخانه‌ها و همکاری با سران حکومت، سازمان‌های اجتماعی، سازمان‌های غیر دولتی، بخش‌های تجاری و همچنین مناطق جرم‌خیزوندان می‌باشد.

۴-۵- پایداری / پاسخگویی

پیشگیری از جرم نیاز به منابع کافی از قبیل یافته‌های ساختاری و فعالیت‌ها و اقداماتی که به گونه‌ای منجر به پایداری شود نیاز دارد. این عامل می‌بایست به صورت شفاف، پاسخگوی نتایج، کاربرد، و آموزش در دستیابی به برنامه‌گزینش شده و مورد هدف باشد.

۵-۵- داشتن یک پایگاه علمی

راهبردهای پیشگیری از جرم، سیاست‌گذاری‌ها، برنامه‌ها عملیاتی را که می‌بایست بر مبنای یک نظم منسجم و ساختار یافته، با عملکرد منظومه‌ای در خصوص مسائل ناشی از جرم و دلایل متعدد وقوع آن و تعهد بر سر عملیات اقدامی ناشی از آن شکل گرفته باشد.

۶-۵- حقوق بشر / قواعد حقوقی / فرهنگ کامل حقوقی

قاعده حقوق و حقوق بشر که به عنوان شاخص‌های بین‌المللی برای اعضای یک سازمان شناسایی و تشخیص داده شده‌اند می‌باید به تمامی جوانب پیشگیری از جرم توجه داشته باشد. یک فرهنگ حقوقی کامل و جامع می‌باید بطور فعالانه‌ای برنامه‌پیشگیری از جرم را ترویج نماید.

۷-۵- وابستگی

راهبردها و تشخیص برنامه‌های پیشگیری از جرم می‌باید بطور مناسبی ارتباط میان مسائل ناشی از جرم در سطح محلی، ملی و بین‌المللی را به شکلی سازمان یافته برقرار نماید. راهبردهای پیشگیری از جرم می‌باید از لحاظ زمانی بطور مناسبی به نیازهای مختلف مردان و زنان توجه داشته باشند و نیازهای گوناگون اعضای آسیب‌پذیر جامعه را بیشتر مورد توجه قرار دهند.

بطور اساسی، اصولی که به تهیه دستورالعمل پیشگیری از جرم و تهیه راهنمای مشارکت و همکاری در زمینه‌های مختلف در خصوص پیشگیری از جرایم مناطق جرم‌خیز می‌انجامد اصول مهمی را در رابطه با قواعد حقوقی و توجه به رعایت حقوق بشر و نقش عوامل اجتماعی و اقتصادی را بوجود می‌آورد و این اطمینان را حاصل می‌نماید که نیازهای خاص و ویژه اقلیت آسیب‌پذیر و همینطور تفاوت‌های نژادی مورد بررسی و کنکاش قرار خواهند گرفت. همچنین

تأکید بر آن است که عملیات پیشگیری از جرم می‌باید بر روی جوامع محلی تمرکز نماید به گونه‌ای که به مشارکت بخش‌های دولتی و محلی و بویژه مناطق جرم‌خیزداری‌ها و جامعه مناطق جرم‌خیز و مشارکت اجماعات مختلف گردد.

۵-۸- حمایت بین‌المللی از دستورالعمل پیشگیری از جرم توسط سازمان ملل

دستورالعمل پیشگیری از جرم در میان برخی استانداردها و قواعد بین‌المللی توسط ملل متحد به تصویب رسیده است. (فرزان، ۱۳۸۷) این دستورالعمل شامل توزیع قدرت و همچنین تفکیک حقوق کودکان، حقوق زنان و حق مجازات ناشی از ارتکاب جرم می‌باشد. برای نمونه:

- انجمن یا پیمان‌نامه حقوق کودکان
- دستورالعمل ملل متحد برای پیشگیری از بزهکاری در میان نوجوانان (دستورالعمل ریاض)
- اعلامیه منع خشونت بر علیه زنان
- اعلامیه اصول عدالت در خصوص اعمال مجازات جرایم و قتل و عدم استفاده از قدرت.
- در خصوص اصطلاح جرم فراملی، بیانیه ملل متحد علیه فساد و بر علیه جرایم سازمان یافته فراملی و پروتکل الحاقی پیشگیری، سرکوب و مجازات ناشی از قاچاق میان افراد، بویژه زنان و کودکان، تکمیل پیمان‌نامه ملل متحد علیه جرایم سازمان در سطح فراملی و بطور مشابه فراهم آوردن شرایط اساسی برای حمایت از دستورالعمل پیشگیری از جرم در سطوح داخلی و ملی. (فرزان، ۱۳۸۷)
- پیشگیری از جرم و قتل بطور تنگاتنگی در ارتباط با تحقق اهداف توسعه هزاره می‌باشد که در سال ۲۰۰۰ به تصویب رسید. این اهداف تا سال ۲۰۱۵ عبارتند از:
 - ریشه‌کن کردن فقر شدید و گرسنگی
 - تحقق آموزش اولیه در تمام دنیا برای افراد
 - اشاعه کیفیت نژادی و توانمند ساختن کودکان
 - کاهش مرگ و میر در میان کودکان و نوزادان
 - بهبود سلامت روان
 - مبارزه با بیماری‌های ایدز و دیگر بیماری‌ها
 - توسعه پایدار زیست محیطی
 - مشارکت جهانی در امر توسعه
- همانگونه که پیشگیری از جرم بطور شفاف، به اهداف اشاره‌ای نکرده است، در صورتی که

تحقق آنها می‌تواند در کاهش جرم و قتل در آینده مفید و موثر باشد. گذشته از این، اهداف بطور غیر احتمالی تحقق می‌یابند مگر اینکه ایمنی و امنیت در یک منطقه شکل گرفته باشد. (عبادی نژاد، ۱۳۹۱)

۶- راهبردهای پیشگیری از جرم

اخیرا مدلی برای برنامه پیشگیری از جرم و اصلاح آن توسط مارکوس فلسون (۱۹۸۷) پیشنهاد شد که ترکیبی از طراحی فیزیکی و مدیریت پیشگیری در نبرد علیه جرم می‌باشد. (پینتر، ۱۹۹۹)

فلسون، هم به دلیل ارتکاب جرایم و هم موارد منجر به قتل بعنوان عادت مجرمان، به بررسی فعالیت‌های عادی و روزمره آنها می‌پردازد. او رویکرد فعالیت‌های عادی را برای تحلیل ویژه جرایم با عناصر سه‌گانه یعنی-تخلف محتمل الوقوع، یک هدف مناسب، عدم توانایی در حفاظت خود مقابل جرایم- شرح می‌دهد. حوادث مجرمانه زمانی بوقوع می‌پیوندند که قربانیان و یا مجرمان در عدم وجود حمایت یا حفاظت با هم تجانس دارند. مسائل ناشی از جرایم می‌تواند با پتانسیل بالقوه خلافکاران و افراد در معرض قربانی شدن بطور جدا از هم و تفکیک شده، از انجام آن جلوگیری بعمل آید. رویکرد فعالیت‌های روزمره توسط رونالد کلارک و مارکوس فلسون (۱۹۸۸) بعنوان یک دسته از راهبردهای پیشگیری از جرم با مطالعات موفقیت‌آمیز طبقه‌بندی شد که این طبقه‌بندی به شرح زیر می‌باشد:

۱. کاهش تجانس در اهداف و اعمال مجرمانه از طریق:
 - ✓ جداسازی افراد سالخورده از نوجوانان و بچه‌هایی که در مساکن عمومی زندگی می‌کنند.
۲. محدودیت مجرمان از طریق:
 - ✓ تقویت کنترل اجتماعی از طریق طبقه‌بندی‌های جزئی‌تر در مدارس و از بین بردن اختلال و هرج و مرج و اغتشاش و آشوب
 - ✓ محدودیت دسترسی به امکانات و یا وسایل ارتکاب جرم از طریق مکان‌یابی موارد ممنوعه یا مکان‌های جرم‌خیز.
 - ✓ محدودیت دسترسی به عوامل تهییج کننده جرم از قبیل مشروبات الکلی که ممکن است موجب ارتکاب جرم گردد و بنابراین بایستی مکان‌های فروش این قبیل عوامل شناسایی و تحت کنترل قرار گیرد.

۳. حمایت از اهداف از طریق:

- ✓ سختگیری در اهداف از طریق بکارگیری ابزارهای مقاوم در برابر اغتشاشات در مکان‌های عمومی و نصب موانع ضد سرقت در مکان‌های وقوع جرم.
- ✓ محدودیت دسترسی به مکان‌هایی که جرایم می‌تواند در آن رخ دهد؛ برای نمونه مکان‌یابی ورودی‌ها در مسکن عمومی برای شناسایی عوامل مخل و ایجاد موانعی برای مایوس نمودن خلافکاران در خصوص مواردی مانند جیب‌زنی و کیف‌قاپی.
- ✓ کاهش دید از طریق کج‌فهمی متجاوزان در جلوی پنجره‌های دارای نور یا مطمئن بودن از وجود افراد واقع در داخل ساختمان
- ✓ کاهش ارزش اهداف مجرمان در زمینه جعل املاک با شناسایی تعداد آنها و محدود نمودن مقادیر هزینه‌ای که برای آنها ثبت شده است.
- ۴. بهبود امنیت و حفاظت طبیعی بوسیله:
- ✓ افزایش نظارت طبیعی بصورت واقعی یا شهودی و آشکارا از طریق مراقبت از محلات، روشنایی لازم در داخل ادارات و بانک‌ها در شب.
- ✓ مسئولیت افراد با آموزش شاغلان برای برخورد با چالش‌های بالقوه در میان مجرمان.

۷- نتیجه‌گیری

زندگی انسان‌ها مستلزم نهادینه کردن قوانین اجتماعی و مناطق جرم‌خیزوندی برای ایجاد روابط پایدار اجتماعی، ضمن تأمین نیازهای افراد است؛ به تعبیری می‌توان گفت که حقوق مناطق جرم‌خیزوندی ابتدا مفهومی در حوزه جامعه‌شناسی سیاسی، جامعه‌شناسی حقوقی و جامعه‌شناسی عمومی بوده که به تدریج جای خود را در جامعه‌شناسی مناطق جرم‌خیزی باز کرده است. مسئله‌ای که موجب می‌شود حقوق اجتماعی مناطق جرم‌خیزوندی مدنظر سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان مناطق جرم‌خیزی باشد، این است که همانطور که سازوکارهای فنی و عمرانی برای ایجاد پایداری مناطق جرم‌خیز ضرورت دارد، نیاز به نوعی ساز و کار مفهومی عمیق‌تر نیز احساس می‌شود. به نظر می‌رسد در دو سه دهه اخیر جامعه‌شناسی مناطق جرم‌خیزی تلاشی کرده این مفهوم را بومی خود کند؛ بنابراین برنامه‌ریزان مناطق جرم‌خیزی در جوامع توسعه یافته به جای اینکه صرفاً روی پروژه‌های فیزیکی مناطق جرم‌خیزی توقف کنند، تلاش می‌کنند که نگاهی نیز به منظر اجتماعی داشته باشند.

برنامه‌ریزی و نظام اداره تفکر مناطق جرم‌خیز، توسعه حقوق مدنی و اجتماعی، ظهور جنبش

های اجتماعی، حقوق اجتماعی مناطق جرم‌خیزوندی و عدالت و آزادی، لازمه وجود یک مناطق جرم‌خیز به شمار رفته و به نوعی همه ساکنان خواستار آن هستند. از سوی دیگر، مناطق جرم‌خیزوند به تعبیر ارسطویی نیز کسی است که در جایی زندگی می‌کند که در آن احساس برابری و کرامت انسانی داشته باشد. حال در چنین شرایطی، براساس فلسفه اجتماعی حقوق مناطق جرم‌خیزوندی، اگر، آزادی فردی احساس هویت و کرامت انسانی نداشته باشد، مهاجرت می‌کند. برای رسیدن به یک مناطق جرم‌خیز خوب، مناطق جرم‌خیزوندی، هویت و اجتماع از جمله منابع لازم و مهم هستند. در واقع، مناطق جرم‌خیزوند کسی است که احساس تعلق اجتماعی و مکانی داشته باشد و در چنین شرایطی، مناطق جرم‌خیز نیز باید دارای اجتماعات مختلفی در حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی باشد. بر این اساس، لازمه هویت مناطق جرم‌خیزوندی، برخورداری فرد از حداقل امکانات و خدمات مرتبط با حوزه‌های فرهنگی و سیاسی است.

ترنر نیز معتقد است که هویت زمانی در مناطق جرم‌خیز احراز می‌شود که یک نوع تعلق اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی داشته باشد. هویت صرفاً داشتن یک شناسنامه نیست بلکه یک برخورداری است؛ به تعبیری، حقوق مناطق جرم‌خیزوندی بخشی از نمایش دموکراسی مناطق جرم‌خیزی است که در آن، شیوه‌ها و روش‌هایی برای امکان توزیع عادلانه فرصت‌ها برای افراد در نظر گرفته می‌شود. در این میان، می‌توان شاخص‌هایی را مطرح کرد که هم الزام حقوقی قانونی و هم الزام عقلانی را در نظر می‌گیرند؛ مثل اشتغال که یک شاخص مهم حقوق مناطق جرم‌خیزوندی در مناطق جرم‌خیز است. در واقع، یک مناطق جرم‌خیز باید سیاست‌های اشتغال شفافی داشته باشد و امکانی را برای سازماندهی کافی مشاغل مناطق جرم‌خیزی فراهم کند. دومین شاخص، برخورداری مناطق جرم‌خیزوندان از مسکن مطلوب براساس استانداردهای مناطق جرم‌خیزی است. مورد سوم، امکان استفاده از خدمات و کالاهایی با کیفیت مناسب است. علاوه بر این، شاخص چهارم به امکان فراهم شدن کمالات فردی و رضایت شخصی مربوط شده و پنجمین شاخص، وجود برابری‌های جنسیتی، نژادی و... است که همه این موارد به نوعی در قانون اساسی ما نیز در نظر گرفته شده‌اند و برای احقاق کامل آنها باید سیاست‌گذاری و مدیریت مناطق جرم‌خیزی بستر لازم را برای ایجاد یک مناطق جرم‌خیز زنده و پویا فراهم کنند. (الوندی، ۱۳۸۳)

عده‌ای از واژه شناسان، امنیت را به آرامش نفس و نبودن بیم و هراس معنا کرده‌اند و امنیت را حالتی برشمرده‌اند که انسان در آرامش و آسودگی آن را احساس می‌کند و این آرامش می-

تواند از آن نظر باشد که توانایی‌ها، امکانات و دارایی‌های انسان با هیچ خطر و تهدیدی مواجه نیست و از این جهات در امان است و چنانچه در مفهوم امنیت، توسعه قائل شویم چه بسا احساس ارزش و احساس شخصیتی که فرد در جامعه دارد نیز از جلوه‌های دیگر امنیت به شمار می‌رود. با این توضیح می‌توان گفت: خاستگاه‌های ایجاد امنیت را باید در نهادهای خانواده، مدرسه و اجتماع و دولت جستجو کرد. گرچه نوع نگرش‌های حاکم بر جامعه و دولت تأثیرات مهمی را در این میان برجا می‌گذارد. امنیت اجتماعی یکی از ارکان اساسی و به یک تعبیر شاه کلید زندگی است و این به آن معنا است که تصور زندگی سالم و هدفمند بدون آن امکان‌پذیر نخواهد بود و درست به همین رو دولت‌ها در تحقق آن بسیار در تکاپو و تلاشند، گرچه تأثیر متقابل امنیت اجتماعی بر اقتصاد، تولید، توسعه، سیاست و فرهنگ غیرقابل انکار است زیرا تحقق امنیت اجتماعی به مفهوم فراهم‌بودن بسترهای تولید، اقتصاد، تجارت، علم و فرهنگ و اداره مناطق جرم‌خیزها و کشور است. با این پیش‌زمینه به تبیین واژه امنیت، حوزه‌ها و راهکارهای تحقق آن می‌پردازیم. امنیت اجتماعی یکی از اصل‌ترین نیازهای یک ملت و کشور است، زیرا حرکت و پویایی کشور در مسیر علم و معنویت، فناوری و توسعه، اقتصاد و هنر مرهون امنیت اجتماعی است. وقتی فرد ببیند جامعه و افراد با او رفتار مناسب و منصفانه دارند شخصیت و احترام او رعایت می‌شود، حقوق اجتماعی او حفظ می‌شود در درونش، احساس آرامش خواهد کرد، آنوقت استعدادها و خلاقیت‌ها بارور و شکوفا می‌شود و در پرتو همین آرامش و ایمنی، هم فرد رشد می‌یابد و هم جامعه بالنده و پرنشاط خواهد شد. اما چنانچه فرد، درباره موضوعات مهم زندگی مانند کار، درآمد، آبرو، اعتبار و روابط اجتماعی‌اش با جامعه و حکومت از حالت ایمنی و آرامش برخوردار نباشد آن وقت دچار ناآرامی شده و احساس خطر و تهدید می‌کند. به این ترتیب امنیت اجتماعی، محور تعادل فرد و جامعه است و گویی کشتی کوچک فرد در دریای جامعه با امنیت اجتماعی به آرامش و تعادل دست می‌یابد و در این حالت نیز فرد می‌تواند به اهدافش دست یابد و به موفقیت و پیروزی نائل گردد، جامعه نیز مسیر کمال را طی می‌کند. با این توضیح روشن می‌شود که امنیت اجتماعی به گونه‌ای زمینه‌ساز رشد و تکامل فرد و جامعه است و هدف اصلی پیامبران الهی نیز ایجاد همین شرایط مطلوب در جامعه بوده تا بشر آسوده خاطر راه را بشناسد و حرکت تکاملی خود را بپیماید و به سر منزل مقصود برسد. بنابراین برای رشد معنویت در تعالی اخلاق در جامعه، چاره‌های جز تامين امنیت اجتماعی و آماده کردن فضای مناسب رشد و شکوفایی وجود ندارد و اساساً زدودن محرومیت‌ها، فقر و تبعیض و نابرابری‌ها در پرتو تحقق

امنیت اجتماعی است. پیشتر گفتیم که امنیت به معنای بی‌خطری، ایمنی و آرامش است و به نظر ما امنیت اجتماعی متوجه مسائل فردی و روابط او با اجتماع و حکومت می‌شود و دولت مسئول قانونی تامین این امنیت به شمار می‌رود. با این رویکرد موضوعاتی چون معیشت، درآمد، آزادی، نقش اجتماعی، آبرو و اعتبار، مشارکتهای اجتماعی و... در حوزه امنیت اجتماعی قرار دارد. به این ترتیب یک فرد وقتی دارای امنیت اجتماعی است که در تمامی آنچه یاد شد از امنیت و حالت آرامش و ایمنی برخوردار باشد. برای روشن‌تر شدن مسئله بهتر است به سراغ قانون اساسی برویم و ببینیم قانون اساسی در موضوع امنیت اجتماعی بر چه محورهایی تأکید دارد: جان، مال، حقوق، حیثیت، مسکن و شغل اشخاص می‌باید مصون از تعرض باشد.



منابع فارسی

کتاب

- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۹۲)، فرهنگ عناصرشناسی (حقوق مدنی - حقوق جزا)، انتشارات گنج دانش.

- جوان جعفری (۱۳۹۱)، رهنمودهای عملی پیشگیری از جرم، نشر میزان
- سجودی، فرزانه (۱۳۸۷)، برنامه ریزی (مناطق جرم خیز) برای پیشگیری از جرم، نشر میزان

مقاله

- سید علی عبادی نژاد، محمد حسن اسکندری (۱۳۹۱)، تحلیل مکانی مولفه‌های موثر بر پیشگیری از جرم. مطالعه موردی مناطق جرم خیز مرودشت در سال‌های ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹، فصلنامه پیشگیری از جرم، سال هفتم شماره ۲۴

پایان نامه

- جعفری، حسن (۱۳۸۸)، سیاست‌های مناطق جرم خیز (مناطق جرم خیز سازی) موثر در پیشگیری از جرائم، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد

- یوسف زاده، الوندی (۱۳۸۳)، نقش GIS در پیشگیری از وقوع جرم، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد

English Resources

Book

- Alex Stevens, Isabel Kessler, Katrin Steinack (2006), **Review of good practices in preventing the various types of violence in the European Union**, Report prepared for the European Commission
- Marks, Erich; Meyer, Anja and Ruth Linssen (2005), **Quality in Crime Prevention**, Landespräventionsrat Niedersachsen, Hanover. December
- Ministry of Justice of Hungary(2003), **The National Strategy for Social Crime Prevention**, Budapest, October
- Painter K (1999), **A Guide for Crime and Disorder Reduction through a Public Lighting Strategy Rugby**, Institution of Lighting Engineers
- Whitzman. (1995), **Safe Cities: Guidelines for Planning, Design and management**

Articles

- Lamy Rostami Tabrizia, Ali Madanipour (2006), **Crime and the city: Dome**

stic burglary and the built environment in Tehran(2009), Habitat International, Volume 30, Issue4

- Schneider, S, & Percy, P, (1996), **The theory and practice of crime prevention through environmental design**, A literature review, Report for Canada Mortgage and Housing Corporation, Ottawa

